

پایامبر گرمای اسلام(ص):
حقیقتاً دوستی و دشمنی به ارث برده می شود
(اگر پدری با شخصی دوست یا دشمن باشد، فرزندان او نیز با آن شخص چنین خواهند بود)
 نهج الفصاحه، ترجمه علی اکبر میرزایی، چاپ هفتم، حدیث ۱۵۸۵



طالع روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ورزشی
 صاحب امتیاز: مدیر مسؤول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده
 شماره استاندارد بین المللی روزنامه طالع (شاپا): ۸۰۰۲ - ۵۸۷۳ - ISSN: 5873-8002
 حساب جاری سپهر ۰۱۴۵۵۸۳۷۰۰۱ بانک صادرات شعبه سه راه بهار به نام روزنامه طالع
شیراز: خیابان انقلاب (نادر) - نیش یارک انقلاب - مجتمع رز - طبقه اول
 تلفن: ۰۷۱ - ۳۲۲۴۴۷۷۲ | فاکس: ۰۷۱ - ۳۲۲۴۴۷۷۱
کازرون: خ قدمگاه - پایین تر از سه راه دانشسرا - تلفن: ۰۷۱ - ۴۲۲۲۹۲۴۶
 چاپ: میناق | تاپ و صفحه آرایی: روزنامه طالع

امروز شما

متولدین فروردین: امروز هر چه به زبانتان بیاید می گوید. با این که تمایل دارید ماجرا درست کنید، اما به شما توصیه می شود که فکرتان را به کار بیندازید و از احساساتان بگویند. اگر برسید و حرف نزنید اوضاع بدتر خواهد شد.

متولدین اردیبهشت: حالا که در محدوده ی خود زندگی خوبی دارید احساس پادشاهی می کنید. اما به این معنی نیست که هر چه بخواهید در منزل مهیاست، خوش بینی خود را از دست ندهید، حتی اگر با مانعی روبرو شدید تا امید نشوید. حواستان باشد امید خود را از دست ندهید.

متولدین فرورداد: حالا که روی صحنه نیستید کمی سخت است که با شنودن گاتان صحبت کنید، مثل این است که معلم باشید اما کلاس درس نداشته باشید. به محلی نیاز دارید تا از آن جا افکار خلاقانه تان را با دیگران در میان بگذارید. برای این که فرصت های بزرگتری دست دهد باید همه چیز از بنا قابل اعتماد باشد.

متولدین تیر: امروز ممکن است شدت احساسات گریبانستان را بگیرد و نتوانید روی کارتان تمرکز کنید. از تمهیدات احساسی جدی بپرهیزید. یادتان باشد که حتی غیر واقعی ترین افکار ممکن است پتانسیل تحقق یافتن را داشته باشند. در ذیاب دروستان کنکاش کنید و منتظر پادشاهان در ذیاب واقعی بمانید.

متولدین مرداد: امروز نگاه همه به شماست. دیگران از شما انتظار دارند که سرگرمشان کنید. اما شما فعلاً هیچ تمایلی به چنین نمایشهایی ندارید و می خواهید که در کانون توجه نباشید. احساساتان را دنبال کنید تا بفهمید که در آن لابه های زیرین چه می گذرد. این کنکاش درونی کمکشان می کند تا تغییرات مثبتی ایجاد کنید که پایدارند.

متولدین شهریور: اکنون دلتان می خواهد اطرافیان تان کمی شما را به حال خود رها کنند. به شدت تمایل دارید که تنها باشید و در سکوت به روپاهایان پر از اعماق وجودتان پناه ببرید. سعی کنید با دوستانتان در ارتباط باشید، اما حد و حدود را رعایت کنید تا برای تنها بودن خودتان هم وقت باقی بماند.

متولدین مهر: گاهی برای این که در روابط تان تغییر ایجاد کنید باید صبر و تحمل داشته باشید. فعل و انفعالات کپکشان باعث شده که رویبایان پر و بال بگیرد و افق دیدتان را گسترش دهد. اعتماد به نفستان دارد افزایش می یابد، اما حواس تان باشد که با احتیاط جلو بروید. قرار نیست چون دلتان می خواهد هر چه زودتر با آینده روبرو شوید یا شتاب بزنید تا دلتان خراب شود.

متولدین آبان: حتی اگر دیگران شما را به باد انتقاد بگیرند یا این که به برنامه هایتان حمله کنند، باز هم چیزی از فریبندگی شما کم نخواهد شد. اکنون زمان آن رسیده که بدرخشید، شما الان در اوج هستین، پس هر فرصتی که دست داد با کمال میل استقبال کنید.

متولدین آذر: دوست دارید به مسافرت بروید، اما وظیفی دارید که نمی توانید از آنها چشم پوشی کنید. دلتان می خواهد به یک مکان خاص بروید، پس فکران را به کار بیندازید و به دنبال یک مقصد ویژه بگردید. منتظر نمانید که صورتش برای شما تصمیم بگیرد، آستین ها را بالا بزنید و خودتان دست به کار شوید.

متولدین کبک: امروز شاید مجبور شوید که با یک آدم سرسخت کار کنید، کسی که می تواند یک کار ساده را به یک تدریس ادبیت کهنه تبدیل کند. بداند که اکنون زمان مناسبی برای مغرور بودن نیست و فقط یکی از نشانه های ضعف محسوب می شود. یادتان باشد اگر به دیگران امر و نهی کنید هیچ اتفاق خوشایندی نخواهد افتاد، کلبه همه ی مشکلات در زمین مهربانی است.

متولدین اسفند: امروز به آسانی می توانید کسل کننده ترین کارها را به یک ماجراجویی هیجان انگیز تبدیل کنید. کارهایی که همیشه خسته کننده بودند، امروز باعث می شوند که خلاقیتان شکوفا شود. خبر خوب این که می توانید بسیار کارآمد عمل کنید، اما احساسات باشد که بیش از حد خودتان را جدی نگیرید.

از مهنز افشار و الناز شاکر دوست تا آزاده نامداری و واکنش هنرمندان به حادثه اسیدپاشی اصفهان



همانطور که مطلع هستین چندروزی است که حادثه اسیدپاشی های اصفهان یکی از سرخه های مهم خبری کشور است. در همین رابطه برخی هنرمندان در فضای مجازی نسبت به این حادثه دلخراش و غیرانسانی، واکنش نشان دادند. واکنش هایی که البته گونه های مختلف داشت از حس همدردی تا محکومیت و درخواست پیگیری از رئیس جمهور. در ادامه برخی از این واکنش ها را بخوانید.

مهنز افشار: فاجعه، فاجعه ای در دناک و تاسف آور دلش هر چه باشد اسیدپاشیدن یک رفتار غیرانسانی و نفرت برانگیز است. کسانی که مشغول اسیدپاشی به زنان هستند ای کاش فقط یک لحظه تصور می کردید که عزیزان یکی از قربانیان اسیدپاشی بودند!

آیا می توانید حتی چنین چیزی را تصور کنید؟

پهنوش طباطبایی: چون شمع، سوخت دلم برای سیمای گلت.

سناز شاکر دوست: نمی توان در برابر این حادثه دردناک آسیب پذیری دخترکان ایران مانده.

محراب قاسمخانی: دوست ندارم وارد بحث و حساب و

مبارزه با بدحجابی و هدف اسیدپاش بشم، مهم این است که اسید بدحجاب و بدحجاب و بی حجاب رو به به اندازه می سوزونه.

مهتاب کرمانی و مهدی پاکدل: نیز این متن را به اشتراک گذاشتند: دختران سرزمین هادرن شهرم کاش زاینده بود: کمی از داشت تا می شد داغ جهالت را از روی صورتهای زیباتان زدود. شرم بر کسانی که پستی و سیاهی خویش را بر صورت هموطن خود می پوشانند.

بهرام رادان: نیز در واکنش به این حادثه بخشی از شعر فریبدهو منبری را در این اشتراک گذاشت:

کوبری سوت و کورادر میان مردمی با این مصیبتها صوراصحبت از مرگ محبت، مرگ عشق گفتگو از مرگ انسانیت است.

ملیکا شریفی نیا: این روزها ماسک هایم چپ چپ نگاه می کنند یک نگاه دردناک و سرزشت آمیز همه فقط دور هم نشسته اند و دل مرا تحقیر می کنند که این چنین بی عرضه ام و تا توان در بازسازی زیبایی صورتک های بی گناهمان که در چشم بر هم زدن آنگونه فرو پاشیدند و به بغما بردند تمام آرزوهایان را به این بی علتی آن هم به این نا عادلانگی و شب و روز من تنها کابوس این فاجعه می شود و یک کلبه سلولهایم آرزوی بازگرداندن زمان به صبک روز واقعه و مناجاتن تنها امکان تغییر «یک انتخاب» ۳۴ه ای کاش آن روز از کوچگی ی دیگری می رفتید.

لیلا بلوکات: نیز با سیاه کردن عکس پروفایلش نوشت: عکس پروفایلم سیاه می کنم به احترام دخترایی که تو صورتتون اسید پاشیده می شه... عکس پروفایلم سیاه می کنم به خاطر کسانی که اینقدر بی معرفتن و بویی از انسانیت نبریدن که تو صورت دخترای مردم اسید می پاشن اونم بدون اینکه سرشون گلاه کاسکت باشه یا از چیزی برتنن... عکس پروفایلم سیاه می کنم برای اعتراض و خواهش از کسانی که توانایی اینو دارن تا این از خدای خیرها رو دستگیر کنن ولی چرا سه هفته س نتونستن اونها رو بگیرن... عکس پروفایلم سیاه می کنم واسه تاسف و ناراحتی و صحنه رو غصه بین ولی فقط فیلم می گیرند و حتی به این دخترها به کم تم نمی رسونن تا صورتتون رو بتورن... آفسون و صد آفسون کاشکی بیشتر همدیگر رو دوست داشتیم.

من به سهم خود کاری بیشتر از این از دست برنمیدم حتی ایران نیستم و این اخبار رو دو روزه شنیدم... و بسیار غمگین شدم امیدوارم به آرامش برسیم.

احمد مهرانفر: سید رنگ اعتراض رنگ جهالت رنک است، سید رنگی که چشمان

ریشه ضرب المثل های فارسی

مفاداتش خوب است ولی مرده شوی ترکیش را ببرد
 در پهنه زندگی عوامل و عناصری وجود دارند که هر یک به تنهایی می توانند منشأ اثر و فایده باشند ولی چون همه یا چند تای آن با یکدیگر جمع شوند از اجتماع و اختلاط آنها نتیجه مطلوب به دست نمی آید.

از طرف دیگر بعضی ها ضمن مکالمه و محاوره از لغات و تعبیرات ادبی استفاده می کنند، عبارات مسجع و مقفی به کار می برند، از استعارات و تشبیهات و هرگونه صنایع ادبی و لفظی در گفتگو و مکالمه غافل نیستند. به اصطلاح معروف لفظ قلم صحبت می کنند ولی از تلقین آن همه عبارات و مفردات در ردیف کردن آن همه صغری و کبری نمی توانند نتیجه مطلوب حاصل و شنونده را از مقصود و منظور خویش آگاه کنند.

اصولاً در این گونه موارد به ضرب المثل بالا استناد می کنند و می گویند: مفدراتش خوب است ولی مرده شوی ترکیش را ببرد. اما ریشه تاریخی این ضرب المثل حاجی محمد

ابراهیم کلباسی کاخکی که بعضی از نویسندگان وی را کلباسی گفته اند از بزرگترین علما و زهاد قرن دوازدهم هجری است که در زهد و تقوی و احتیاط معروفیت داشت و غالباً مراقبات و معاکمات مردم را به سایر روحانیون محول می کرد و چنانچه ضرورتی ایجاد می کرد که در امر شهادتی رسیدگی کند قبلاً از مسائل شرعیه که مربوط به حرفه و شغل شاهد بود سؤال می کرد تا صلاحیت و شایستگی شاهد بر او مسلم گردد.

از جمله می گویند شمالی برای شهادت نزد کلباسی رفت. مرحوم کلباسی ابتدا احکام و آداب غسل میت را از غسل پرسید، غسل که مرد ظرفی شوخ طبعی بود پس از آنکه تمام سؤالات مرحوم کلباسی را جواب داد آن گاه از باب مطایبه گفت: چیزی هم در آخر کار به گوش میت می گویم. پرسید: آن چیست؟

گفت: به او می گویم خوشا به سعادت تو که مردی و برای شهادت نزد کلباسی رفتی. مرحوم کلباسی نسبت به طبقه روحانیون تعصب شدید داشت و هرگز حاضر نبود که به مقام روحانیت لطمه و خدشه ای وارد آید چنان که همانقدر معروف حاج سیاح می نویسد: ...وقتی به آن مرحوم گفتند: آخوند زدی کرده، فرمود: خیر! بگویند زدی آخوند شکر آخوند ما عابد یا زاهد یا مقرب خدا به لباس است؟ اگر لباس مخصوص نباشد قدرش در نزد خدا کمتر می شود یا خدا او را اشتباه می کند؟

مرحوم کلباسی با وجود احتیاط زیاد و شدت عمل در امور دینی اتفاقاً مردی خلیق و خوش مضمر و بذله گو و ظریف طبع بود و هیچکس در محضرش خسته نمی شد، کما اینکه میرزا محمد تکانی نقل می کند: ...وقتی فتعلی شاه به دیدن حاجی آمد. پس نقل در میان خوان و در میان مجلس گذاشتند. نگاه پرستوک در میان آن فضل انداخت. پادشاه گفت: فضل مرغ نقل مجلس شد. حاجی فرمود: چون هوایی است مال دیوان است. که با توجه به واژه دیوان در این مصرع که معنی دولت از آن افاده می شود می توان به پاسخ زندانه و طنزآمیز مرحوم کلباسی به فتعلی شاه بی برد.

مشهور است که روزی مطرب نزد حاجی کلباسی آمد و پرسید: حاجی آقا، خواستم بدانم راجع به چنانچه اعضای بدن که در اصطلاح عامه آن را رقص می گویند عقیده شما چیست؟ حاجی کلباسی با عصیانیت جواب داد: عملی است مذموم و فعلی است حرام. مطرب قدری تأمل کرده تا خشم حاجی کلباسی فروکش کند، آن گاه پرسید: حضرت آقا، اگر دست راست خودم را این طور بلند کنم آیا حرام است؟ مرحوم کلباسی جواب داد: کی گفت حرام است؟ اصولاً دست را برای جنبش و حرکت خلق کرده اند. مطرب کهنه کار صورت حق به جانب گرفته مجدداً سؤال کرد: اگر دست چپم را این طور جنبانم چطور؟ کلباسی جواب داد: قبلاً گفتم که مانعی ندارد. باز مطرب پرسید: راستی معذرت می خواهم، اگر پای راستم را به سمت جلو تکان بدهم چه می فرمایید؟ مرحوم کلباسی گفت: آن هم عیبی ندارد. باز هم حرفی داری؟ مطرب چوب عرض کرد: فقط یک سؤال باقی مانده که آیا پای چپم را هم می توانم این طور جنبانم؟ مرحوم کلباسی که از سؤالات مطرب سرسام گرفته بود پیش از این طاققت نیاورده گفت: مردک، با این سؤالات عجیب و غریبی که می کنی معلوم می شود عقل تو پاره سنگ بر می دارد. چه کسی به شما گفته دست و پای آدمی باید ساکن باشد؟ اصولاً قوه تحرک برای دست و پا و جنبش این دو عضو مؤثر بدن خلق شده است. مطرب کهنه کار که منتظر چنین فرصتی بود گفت: کاملاً صحیح است و اتفاقاً استغنی من برای تأیید همین مطلب بوده است که به لسان مبارک ادا فرمودید. هنرمندان دیگری از جمله: تهمنه میلانی، نیوشا ضیعی، هادی کاظمی، حامد کیمیایی، علیرام نورایی، زینا بروقه، رضا صادقی، زانیار خسروی، صابر ابو بر و... نیز به این حادثه واکنش نشان دادند.



امیر جعفری: منتظر علمیم نه فقط حرف... روحانی منتظریم. **آشا محرابی:** سلام تصمیم گرفته بودم که دیگر به علت توهمین ها پست نذارم و سکوت کنم، اما ننارستم. آخر چگونه سکوت کنم وقتی چند حیوان، زیبایی صورت خواهرانم را نابود می کنند؟ به عنوان یک انسان و یک ایرانی سکوت در مقابل این جنایت را برای خودم حرام می دانم. آخر چگونه سکوت کنم وقتی به زن بودنم توسط چند موجود کثیف توهمین میشه؟



سکوت کنم تو روزایی که صورت خواهرانم را اسید می سوزانند؟ هرگز... آشا در مقابل این جنایت ها فریاد می زنی... من، آشا محرابی، به عنوان یک ایرانی هر کس که از دستم بر بیاد انجام می دهم و به زودی تمام هزینه های درمان این خواهرانم را در صورت کسب اجازه بر عهده خواهم گرفت. در زمینه فعالیت هنری و کار هم در شاخه های فعالیت ام؛ بازیگری، کارگردانی، نویسندگی، دوبله و یا هر فعالیت دیگری ای حاضر به همکاری با دوستان هنرمند هستم. و اما یک خواهش؛ جناب آقای دکتر حسن روحانی، رئیس جمهور ایران، از شما عاجزانه خواهش می کنم به جنایت این جنایتکاران هر چه زودتر رسیدگی کنید و این انسانهای پست را به سزای عملشان برسانید. لطفاً امنیت را به دل ما بانوان ایران زمین بازگردانید.



اما در این بین برخی واکنش ها متفاوت بود از جمله واکنش رامیدجویان که البته متنی را از صفحه دیگری در پروفایلش به اشتراک گذاشته بود. **رامید جوان:** سلام به همه تون. ممنونم که تا این حد همراه موضوعات تلخ و شبیرین مملکتون هستین که آگه من از دید شما سکوت کرده باشم هم بهم اعتراض می کنین و هم متک می اندازین که البته خیلی کار زشتیه. نظر من اینه: وقتی ما با هم راجع به

